



شهید مزاری  
در آینه‌ی ادبیات و شعر

# صبح قیامت

شهید مزاری در شعر شاعران

دکتر حفیظ شریعتی (سحر)



مزاری کمک کرده‌اند تا این اندیشه بارور بماند. همین امر موجب شده است که آن‌ها احساس تعهد در برابر ملت و میهن را به فراموشی نسپارند؛ زیرا ادبیات رسالتی سنگین را به عهده دارد و توانایی‌های فراوانی دارد. «سیمینون دوبرووار» گفته است که: «فقط به یک طریق می‌توان چهره‌ی مرگ یا احساس در ماندگی و وانهادگی یا لذت پیروزی و یا هیجانی که تازه جوانی از دیدن گل‌های ارغوان درمی‌یابد، به اوج رساند؛ تنها ادبیات است که می‌تواند حق این حضور مطلق، حق این ابدیتی لحظه را، که برای همیشه جاوید خواهد ماند، ادا کند. (وظیفه ادبیات، ص ۱۶۸)

و چنین بود که ادبیات پس از شهادت استاد مزاری توانست حق لحظه‌های با شکوه و ناب تاریخ پرافتخار و زرین مقاومت غرب کابل، شهادت، ایثار و رهبر شهید و باران با و فایش را ادا کند و به تصویر قلم بکشد و حتی احیا کننده‌ی ادبیات فاخر گذشته نیز باشد که:

کجایید ای شهیدان خدایی؟

بلا جویان دشت کربلایی؟

کجایید ای سبک روحان عاشق!

پرنده‌تر ز مرغان هوایی

(کلیات شمس تبریزی / غزل ۲۷۰۷)

ادبیات پس از شهادت استاد مزاری، حماسه‌ی

مزاری، شهیدی از این مردم، کسی که در راه عقیده عدالت‌خواهی خود به مبارزه پرداخت و در خون خود غلطید، جوهره‌ی ادبی ارزشمندی را آفرید که جلوه‌های آن را می‌توان در ادبیات مکتوب این سرزمین نظاره‌گر بود. از این‌رو، اهل قلم، نویسندگان و شاعران در هر دوره‌ای تلاش‌هایی را در راستای زنده نگهداشتن فرهنگ و ادبیات آن شهید انجام داده‌اند.

این رویداد بزرگ، افق‌های روشن و تازه‌ای را به سوی اقلیم ادب و سرزمین عشق و معرفت گشود و بستر مناسبی را برای شکوه بیشتر شعر و ادبیات افغانستان فراهم کرد. شعر و ادبی که در اندیشه‌ی توانای شاعران و اندیشمندان این مرزوبوم تبلور یافته است.

این ادبیات با زبان شاعرانه‌ای که دارد چون زیبا، دلنشین و گیرا است، می‌تواند به عنوان بهترین پل ارتباطی بین مردم و آن رهبر مردمی باشد؛ به‌ویژه این که تأثیری زیاد در عرصه‌ی ارزش‌های مردمی و انسانی گذاشته است.

شاعران و نویسندگان افغانستانی، از آن‌رو که خود از میان این مردم و میهن برخاسته‌اند و حوادث مختلف را پشت سرگذاشته‌اند، جنگ و توطئه‌های دشمنان را علیه این مردم با تمام وجودشان لمس کرده‌اند؛ بنابراین، با سرودن اشعارشان در اعتلا و تکامل اندیشه‌ی عدالت‌خواهی استاد

فراموش نکنیم که باورهای عدالت‌طلبانه، رکن اساسی را در فرهنگ مردم دارا است، با چنین اعتقاداتی، شاعر و نویسنده‌ی متعهد مردم ما، عزت مردم و استقلال کشورش را با هیچ بهایی معامله نکردند و تا پای جان از ارزش‌ها و اهداف والای خود دفاع کردند.

کشورش را تضمین کردند. همراه با استاد شهید و یارانش شهادت را فریاد کشیدند و ارزش‌های آن مانا ساختند. این شاعران در راستای تبیین و توصیف مسائل ملی و میهنی و مردمی، از هر چه رنگ و بوی تعلق و تملق داشته، دوری گزیده‌اند و با آزاداندیشی و بلوغ کامل فکری به سرایش نظم و پردازش نثر و نظم فاخر پرداختند و مصداق معروف بیت خواجه شیراز شدند که:

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود  
ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزادم.  
(دیوان حافظ)

آنها کلام عشق و شرح شهادت و دلآوری، دل‌اورمردان مردمی را پیاله پیاله با آثارشان به کام تشنگان معرفت ریخته و حلاوت هنر و فرهنگ و ادب پارسی را با مزه‌ده این فتوحات تا ابد بر کام مردم ماندگار ساختند.

پیروزمندان‌های خون بر شمشیر فرزندان این مردم را جاودانگی بخشید و بین شقاوت، حیوانیت، انسانیت و ایثار، خط سبز معنویت و آدمیت را حایل کرد و توانست منطق شهادت و از خودگذشتگی و... را به همگان بیاموزاند. و این مطلب مؤید کلام شاعران بزرگی چون حافظ و سعدی است که نیز به زیبایی تمام آن را چنین بیان کرده‌اند:

بحری است بحر عشق که هیچش کناره نیست  
آنجا جز آنکه جان بسپارند، چاره نیست  
(دیوان حافظ)

مثال را کب دریاست، کشته‌ی عشق  
بهتر که بار گفتند و خویشان رستند  
(غزلیات سعدی)

فراموش نکنیم که باورهای عدالت‌طلبانه، رکن اساسی را در فرهنگ مردم دارا است، با چنین اعتقاداتی، شاعر و نویسنده‌ی متعهد مردم ما، عزت مردم و استقلال کشورش را با هیچ بهایی معامله نکردند و تا پای جان از ارزش‌ها و اهداف والای خود دفاع کردند. با استمداد از خرد و آگاهی و هشیاری کوله بارسنگین رسالت و آرمان خواهی شان را به دوش کشیدند. سرافرازی و استقلال و تسلیم نشدن در مقابل خصم درونی و بیرونی را در مقاومت و پایداری آگاهانه دانستند و در سایه‌سار این آگاهی و خردورزی، عزت سیاسی و اجتماعی

### سرودن از مقاومت نه جنگ

عنايت به این باور با کلام شاعرانه در کنار رهبر شهید نبرد با خصم را از یاد نبرده‌اند و در تنگاتنگ جدال با دشمن بیرون با خصم درون نیز جنگیده‌اند و تن به ذلت دونی نداده‌اند. از این رو آن‌ها، با سرودن اشعار زیبا آموزه‌های تربیتی، اخلاقی، انسانی و حق‌طلبی و عدالت‌خواهی آنان را به مردم و آیندگان انتقال داده‌اند.

این دستاوردهای عظیم و بی‌نظیر که شرح غیرت و شکوه و شور مردمی، اخلاص، ایثار بابه و یارانش در سال‌های جنگ و مقاومت غرب کابل است، به عنوان حاصل زحمات بی‌شائبه شاعران و نویسندگان است که در عرصه فرهنگ و ادب حضور جدی و فعال خود را به ثبت رساندند. و با شعرشان بذر بیداری را در دل همگان کاشتند:

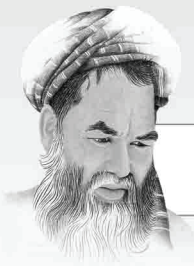
باشد که تنفسم بهاری گردد  
یک باردگر شَبَح فراری گردد  
ای کاش بود و نبودما، یکجا باز  
بر خیزد و یک تپش «مزاری» گردد.  
(موحد بلخی)

با مطالعه و نگاهی ژرف در اشعار شاعران این دوره درمی‌یابیم که شاعران توانسته‌اند با بیانی زیبا و دلنشین

جنگ، پدیده‌ای نامطبوع و نامطلوب در فرهنگ مردم ما شناخته می‌شود؛ اما آنجایی که پای دفاع از حقوق حقه‌ی مردم و دفع در برابر تجاوز بیگانه به میان آید، هر انسان آزاده‌ای، دفاع و مبارزه را در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی، سیاسی و ادبی بر خود لازم می‌داند و رسالت انسان اهل قلم نیز چنین است که از این ارزش‌ها با شعر و سخن دفاع کند.

با نگاهی به جریان عدالت‌خواهی و شکل‌گیری اندیشه‌های برابری‌خواهی استاد مزاری ردپای آشکار نویسندگان و شاعران و ادیبان در ثبت این اندیشه و ماندگار کردن حماسه‌ها و از خودگذشتگی‌ها، در این برهه، کاملاً مشهود است؛ زیرا اهتمام ورزیدن به این امر ضروری بوده است و تساهل و تسامح و قصور در این ضرورت خسرانی بس عظیم را در پی داشته است.

اهل قلم و نویسنده و شاعر معاصر ما به خوبی دریافته بودند و دریافته‌اند که ادبیات منظوم مکتوب می‌تواند باعث ماندگاری یک رویداد شود؛ بنابراین، کوله بار رسالت سنگین وطن‌پرستی و نوع‌دوستی و بیان کردن ارزش‌های انسانی و عدالت‌خواهی بابه مزاری را به دوش کشیدند و می‌کشند و با



## شهید مزاری در آئینه‌ی ادبیات و شعر

رزمی به کار برند و خالق اشعار حماسی زیبا با زبان مردمی و اندیشه‌ی والا و اهدافی مقدس و بزرگ شوند. این گنجینه‌های ادبی ادای دین جامعه اهل قلم و شاعران مردمی‌اند که مصداق این شعر حضرت نظامی است:  
 پرده خلوت را چو برانداختند  
 جلوت اول به سخن ساختند.  
 (مخزن الاسرار نظامی)

آن گونه که از ادبیات برمی‌آید، با احساس مسوولیت و تعهد خود در مقابل مقاومت سرداران مردمی و رهبر شهید و شهیدان میهنی با اشعار و کلمات شیوا و روشن، این راه را پاس دارند و به شیوایی سخن بگویند. و با خلاقیت شاعرانه و مهارت‌های هنرمندانه‌ی خود در قالب‌های غزل و رباعی و مثنوی و... به بیان احساسات پاک انسانی، مفاهیم و اصطلاحات مقاومت و عدالت‌طلبی را با مفاهیم حماسی و

### بررسی ساختار و درونمایه‌ی شعرهای مزاری سرایی

نادره‌گویان در خصوص نبرد عاشقانه و دلاورانی است که در میادین رزم و نبرد، جان باختند و هیچ توقعی از مردم شان نداشتند. از اینرو است که شعر این شاعران و یاد از شهیدان در ادب و فرهنگ مردم ما سمبل عشق، ایثار، استقلال، مبارزه و بیتردید داستان راستان آنان برای نسل امروز و فردا است که خواندنی و ماندنی است.

این شعرها، حماسه‌ی دلاوری است که آمیخته با حماسه عدالت‌طلبی و انحصارشکنی و مبارزه علیه تمامیت‌خواهی است. در آثار سخن‌سنان این شعرها، حماسه با غنای ادبی درآمیخته است و گوهری به نام ادبیات مقاومت مردمی را به وجود آورده است که در شعر پایداری و دلاوری با عاطفه‌ی مردمی گره‌خوردگی‌ای بالایی دارد. این گره‌خوردگی تبدیل به غزل، رباعی، مثنوی و... و با شور و عشق و راستی و مستی همراه شده است. به قول یکی از لطیفان نکته‌سنج:

میان معرکه لبخند می‌زیند به عشق  
 حماسه چون به غزل ختم می‌شود زیباست.  
 (سهیل محمودی)

چنین است که در غرب کابل و خارج از آن شعر حماسی از عمده‌ترین مفاهیم اشعار شاعران پس از شهادت استاد مزاری بوده است. این مفاهیم و موتیف را تجسم آن روزها و حماسه‌ها می‌توان دانست. شاعران آن دوره و اکنون این حماسه‌ها را شنیده و تجربه کرده‌اند و یا آن را با آزموده‌های عینی خود و با تجربه‌های شعری درآمیخته‌اند و در پوشش هنر و شعر به تصویر کشیده‌اند. از اینرو، جنگ تحمیلی در کابل و به دنبال آن دفاع مقدس مردمی و شهادت بابه و یارانش شگرف‌ترین تأثیر را بر ادبیات منظوم و منثور شاعران مردمی پس از مزاری گذاشته است.

مجموعه سروده‌هایی که در قالب‌های گوناگون اعم از سنتی و نو، نیمایی و سپید در این دوره و پس از آن سروده شده‌اند، درون‌مایه‌ای دارند که محتوای اصلی آن‌ها تشویق و تکریم «دوست» و تحقیر و تهدید «دشمن» و تقویت روحیه‌ی مردمی و مذهبی و ملی برای حفظ وطن و مردم است. از اینرو، شاعران چه ضعیف و چه قوی، احساسات درونی خویش را نسبت به دفاع مردمی و تلاش

با توجه به رویکرد زبانی، شکلی، زیباشناختی و محتوایی به تحلیل شعر و ادبیات مردمی پس از شهادت استاد مزاری رباعی، دوبیتی، غزل و قالب‌های نو، رایج‌ترین و پرکاربردترین قالب برای این‌گونه شعرهاست. این‌گونه شعر نخست حماسی و گاهی محزون و اکنون زبان ساده و بدون تصنع و نزدیک به کلام محاوره را، یافته است. در دوره دوم و میانه، این گونه‌ای از شعر به سمت آرایش‌های لفظی و معنوی رفته است و رنگین‌تر شده است. از نظر محتوایی تنوع مضامین مانند: حماسه، تشویق، ترغیب، تحقیر، شهید و شهادت، ایثار و شهادت‌طلبی، عدالت‌طلبی، عناصر دینی، شیعی آمیخته با صیغه‌های مردمی ملی و وطنی ویژگی شعر این دوره است. یادآوری خاطرات سرداران و حفظ یاد شهدا و ارزشها و بیان اندوه و سوگ همراه با عاطفه و انتقاد از مخالفان آنان، محتوای اصلی این شعرها را تشکیل می‌دهد. این سروده‌ها از تصاویر زیبا و تازه‌ی شاعرانه به صورت معتدل برخوردارند.

این شعرها، حماسه‌ی دلاوری است که آمیخته با حماسه عدالت‌طلبی و انحصارشکنی و مبارزه‌ی پایداری علیه تمامیت‌خواهی است. در آثار سخن‌سنان این شعرها، حماسه با غنای ادبی درآمیخته است و گوهری به نام ادبیات مقاومت مردمی را به وجود آورده است که در شعر پایداری و دلاوری با عاطفه‌ی مردمی گره‌خوردگی‌ای بالایی دارد.

این شعرها، هنر شجاعت و شهامت و تبلور هنر منظوم و ملحون به حفظ و صیانت از ادبیات و فرهنگ دفاعی غرب کابل است. گواه راستین این مدعا آثار مکتوب منظوم



شهرت و مکننت شعر سروده‌اند و در این  
رویداد بزرگ سهم گرفته‌اند.

عدالت‌خواهی و حق‌طلبی در مقابل  
تمامیت‌خواهان و حوادث و پیامدهای اوضاع  
آن را به دور از هر نوع تصنع و تکلف و کسب

### قالب و زبان

مزاری سرایی مربوط به پس از شهادت استاد  
مزاری است و این مثنوی‌ها بیشتر در  
گوشه‌های غربت سروده شده‌اند. گوناگونی  
زبان، بلندی مثنوی، ترسیم فضای جبهه و  
جنگ، گذشته‌ی تاریخی، یاد از سرداران  
مردمی در گذشته و ایثار و دغدغه‌فراموشی  
ارزش‌ها و فضای تغزلی قصیده‌ای و غزل

در شعرهای پس شهادت استاد  
مزاری (مزاری‌سرایی) گاه از واژگان کهن و  
باستانی استفاده شده‌اند و گاه زبان شعر  
تحت تأثیر سبک نو ساده، روان و ملایم توأم با  
زبان عاطفی است. این شعرها همراه با  
آرایش‌های لفظی معتدل سروده شده‌اند.  
واژگان دور از ذهن، مبهم و غیرمأنوس در کلام  
شاعران و سخن منظوم آنان کمتر دیده  
می‌شوند. در این شعرها، هدف غایی شاعر  
رساندن سریع و ساده‌ی پیام و محتوا است و  
به خاطر نفوذ شعر میان توده مردم دارای  
زبانی نزدیک به زبان محاوره است.

زبان شعر شاعران (مزاری‌سرا) در آغاز  
گاهی تند، تشویق‌کننده و حماسی و گاهی  
نرم و عمیق است که بیشتر در قالب مثنوی  
سروده شده است. زبان این شعرها دارای تنوع  
است و دلیل آن کاربرد لغات و اصطلاحات  
کهنه و نو در این شعرها است. رعایت درست  
قواعد صرف و نحو کلمه و کلام و دور بودن از  
ضعف تألیف و غرابت، استعمال واژگانی، نیز  
پرهیز از اطناب‌های بی‌مورد و حذف‌های  
بی‌جهت، مبین روانی و سادگی و تازگی زبان  
شعر شاعران این دوره و اکنون است که  
نگارنده آن را (مزاری‌سرایی) نامیده است.

قالب‌های آغازین این شعرها بیشتر  
مثنوی و غزل بود و سپس شعر نیمایی و  
سپید به آن افزوده شد و پس از آن رباعی و  
دوبیتی در این دوره رایج گردید. سرانجام  
قالب غزل غالب گردید و قالب مثنوی نیز  
همپای غزل مرسوم شد. در این شعرها به  
قالب‌هایی چون قصیده، چهارپاره و قطعه  
کمتر توجه شده است.

### رباعی

قالب رباعی نیز در این دوره به ویژه در  
شعرهای موحد بلخی به فراوانی به کار گرفته  
شده است. آهنگ رباعی حماسی است و  
حاوی فخرورزی و ستایش نیز است.

### مثنوی

بهترین مثنوی‌های شعر دفاع مردمی و

زبان شعر شاعران (مزاری‌سرا) در آغاز گاهی

تند، تشویق‌کننده و حماسی و گاهی نرم و عمیق است که  
بیشتر در قالب مثنوی سروده شده است. زبان این شعرها دارای  
تنوع است و دلیل آن کاربرد لغات و اصطلاحات کهنه و نو در این  
شعرها است. رعایت درست قواعد صرف و نحو کلمه و کلام و دور بودن  
از ضعف تألیف و غرابت، استعمال واژگانی، نیز پرهیز از اطناب‌های  
بی‌مورد و حذف‌های بی‌جهت، مبین روانی و سادگی و تازگی زبان  
شعر شاعران این دوره و اکنون است که نگارنده آن را (مزاری‌سرایی)  
نامیده است.

### بنیاد اندیشه

مثنوی و حماسه ویژگی‌های آشکار مثنوی  
این دوره است. افزون بر اینکه مثنوی‌های  
دفاع مردمی در وزن شاهنامه‌اند. مانند:

مثنوی زیبای استاد ابوطالب مظفری:

سمندخوش قدم من سپید پیشانه

ببر مسافر خود را به مقصد خانه و...

### غزل

غزل یکی از غالب‌ترین قالب شعر دفاع  
مردمی است. بیان احساسات و عواطف  
درونی نسبت به استاد مزاری و یاران ایشان،  
همراه با بینش حق‌طلبی و عدالت‌خواهی و  
تأثیرپذیری از تصاویر اسطوره‌ای و حماسی و  
بیان نرتمش با خشونت از ویژگی این قلب در  
این شعرها است. در این دوره غزل رنگ



## شهید مزاری در آینه‌ی ادبیات و شعر

در آغاز دنبال صورت و زیباشناسی ظاهری نیست، آنچه برای آنان مهم است، رساندن سریع و ساده‌خبر و پیام و محتوا است. از اینرو، تلاش می‌کنند از تشبیت و تغزل آغازین پرهیز کنند و مستقیم از خود موضوع بگویند. این قصیده‌ها دارای آرایش‌های لفظی و معنوی خوب و اوزان بلند و مطبوع دارند. ردیف‌های اسمی و بلند در آنها کم‌تر دیده می‌شوند. کاربرد صناعات لفظی اعم از جناس، واج آرایی و رعایت موسیقی داخلی و بیان تصاویر به کمک ایهام و ارتباط و پیوند معنایی مناسب بین واژگان در این قصیده‌ها رعایت شده است. حوزه‌ی خیال به کمک تشبیهات و استعارات و کنایات و تشخیص به صورت ساده و روان و به دور از هر نوع ابهام و پیچیدگی و تصنع، کمال یافته‌اند.

حماسی ملی و دینی و گاهی قومی به خود می‌گیرد و آن به خاطر آمیزش غزل با مثنوی است.

غزل دفاع مردمی و در پیوند به شهادت استاد مزاری دارای عمیق‌ترین احساسات انسانی نسبت به محبوب روحانی و جاویدی چون شهید و شهادت است که همراه با نوعی انتقاد به شرایط بعد از رفتن استاد سروده شده‌اند. این غزل‌ها با رویکردی عدالت‌خواهی دارای زبان تصویری و ترکیبات تازه و جدید است. ترکیب‌سازی از شاخص‌های سبک غزل شعر این شاعران است.

### قصیده

قصاید دفاع مردمی در باره شهادت استاد مزاری از نظر واژگان به شعر سبک خراسانی نزدیکند. شاعر دفاع مردمی

### شعرهای مردمی

شاعر نسبت به شهید مزاری مورد توجه مردم در این دوره قرار گرفتند. این دوبیتی‌ها بیشتر با دمبوره خوانده می‌شدند.

چه می‌شد سالهای سرد می‌ماند  
کبوتر با خزان سرد می‌ماند  
به جای این همه آدم‌نماها  
یکی می‌ماند؛ اما مرد می‌ماند.

قالب غالب شعر مردمی برای استاد شهید، قالب دوبیتی بوده است. چه خواص و چه عوام به این قالب اصرار ورزیده‌اند.

این دوبیتی‌ها به دلیل مردمی بودن دارای زبان ساده، نرم و لطیف نزدیک به زبان گفتاری و محاوره و گاه آمیخته با زبان کهن و سنتی‌اند. دوبیتی‌های این چنینی همراه با عنصر عاطفه در انتقال سوگ شهدا و احساس شاعرانه‌ی

### محتوا و درونمایه

محتوای شعر مزاری سرایی توصیف شهادت و شهدا و میادین رزم و بیان هدف مبارزه و جنگ و یاد کرد فداکاری سرداران، وصف دلآوری‌ها، جنگاوری‌ها، رشادت‌ها، و تشویق و ترغیب مردم به حضور در میادین نبرد و استقامت تا پیروزی نهایی و کوچک و حقیر شمردن متخاصم و بیان ارزش‌های دینی، مذهبی، انسانی، عدالت‌خواهی، شیعی و قومی همراه با افتخارات ملی و میهنی است که پایان‌خواهی تمامیت‌خواهی اصل همه‌ای این شعرها است.

پس از شهادت استاد، محورهای درونی قالب شعر نو کمی دگرگون شد. انتقاد و اعتراض نسبت به فراموشی ارزشها، تبعیض و اختلافات طبقاتی و رشد تجملات و تشریفات و کم‌رنگی فرهنگ عدالت‌خواهی رواج یافت. در اشعار نیمایی و سپید به ویژه غزل این دوره نوعی یأس و سرخوردگی فراوان دیده می‌شود.

این شعرها در حوزه محتوا دارای تنوع‌اند، لذا یکنواخت به نظر نمی‌رسند. برخی از این اشعار مردم را به نبرد و بر خوی دیگر بیانگر ترازدی و بعضی اصرار به حفظ ارزشهایی مانند: عدالت‌خواهی و حق طلبی دارند.

### ویژگیها

از دیدگاه ادبی و زیباشناسی سخن، شعر دفاع مردمی از آرایش‌های غیرمتعارف دورند و از نظر محور عمودی پیوند تنگاتنگ باهم دارند. مضامینی مانند: شهید و شهادت، ایثار و ایمان، راز و نیاز، حماسه‌ی عاشورا، سوگ و درد و عشق



”

محتوای شعر مزاری سرایی توصیف شهادت و شهدا و میادین رزم و بیان هدف مبارزه و جنگ و یاد کرد فداکاری سرداران، وصف دلآوری‌ها، جنگاوری‌ها، رشادت‌ها، و تشویق و ترغیب مردم به حضور در میادین نبرد و استقامت تا پیروزی نهایی و کوچک و حقیر شمردن متخاصم و بیان ارزش‌های دینی، مذهبی، انسانی، عدالت‌خواهی، شیعی و قومی همراه با افتخارات ملی و میهنی است که پایان‌خواهی تمامیت‌خواهی اصل همه‌ای این شعرها است.

“



و معرفت، تلمیح به حوادث کربلا و مقوله انتظار ویژگی‌های محتوایی شعرهای این دوره را تشکیل می‌دهند. و هر یک از این مصداق‌ها با روح آمیخته با غم و عاطفه گره خورده‌اند.

ادبیات مزاریسرای بر صورخیال شاعران و زبان مخیل آنان تأثیر گذاشته است و واژگان و اصطلاحات که مفهوم عدالتخواهی داشته‌اند نه تنها در سبک ادبی و شاعرانه بلکه در سبک و زبان عادی نیز تأثیر زیادی داشته است. سخنوران این دوره با بهره‌گیری از این اصطلاحات، فضای شعر را با مفهوم انسانی و مردمی حماسی‌تر جلوه داده‌اند.

از ویژگی‌های تصویری شعر دفاع مردمی، تصویرپردازی از ابزار جنگی است. مانند: خمپاره، نارنجک، مین و... و وسایلی که مفهوم علامت و نشانه پیدا کرده‌اند، مثل: صادق سیا و مانند آن و...

در تصویرسازی، برخی واژگان چون: شقایق، لاله، کبوتر، گل بهار، گل‌های شقایق غربت سوز، آئینه، پرستو، آلاله‌های پرپر، شمشاد، سرو، نخل گل سوری، سوسن، نیلوفر، گل شب بو، صنوبر، خورشید، مرغان مهاجر، و... نماینده و سمبل شهید و شهادت و برخی نشانه‌های شهادت استاد و یاران ایشان شده‌اند.

شعر دفاع مردمی از دید صورخیال و احساسات گرایش به رمانتیسم دارد در طول سه سال دفاع مردمی در غرب کابل، دفاع از کشور و اعزام نیروهای مردمی به خط مقدم نبرد و بازگشت پیکر شهدا با عواطف مردم و شعرا گره خورده‌اند و آن را مردمی‌تر و رمانتیسم‌تر کرده است. از این رو، این شعرها میان مردمان عادی نیز راه یافته‌اند تا آنان نیز بتوانند احساسات خود را با شعر بیان کنند. در این سروده‌ها دعوت به پایداری، مقاومت، شهادت، تحقیر دشمن، تشویق سرداران مردمی و سروده‌های غم‌انگیز برای شهدا همراه با بیان فرهنگ مردمی است.

#### یاد شهدا

اشعاری که پس از شهادت استاد و شهیدان برای یاد بود شهدا و فداکاری‌های آنان سروده شده‌اند، بیشتر عاطفی همراه با سوگ بیان شده‌اند. ولی در دوره جنگ زمینه‌ی سوگ کم‌تر بوده و رنگ حماسی بیشتر نمایان است. تجلی سرگذشت و احوال گمشدگان جنگ و مقاومت مردمی در شعر پس از جنگ درونمایه دیگری است که با عنصر عاطفه همراه با غم و اندوه آمیخته شده است.

در فرجام این شعرها فریاد و ارستگی، بیتعلقی، رستگاری، شکست‌ناپذیری، آزادگی، استقلال و روحیه شهادتطلبی، عدالت‌خواهی است. شاعران سخنور و ظریف‌طبعان حماسه‌ساز مردمی با قلم عشق و ذوق هنری ادبی و شاعرانه آن روزها را با درد به‌رشته‌ی نظم کشیده‌اند تا سینه به سینه نقل گردند و در تاریخ زبان و ادبیات این قوم دیرینه ماندگار و جاویدان بمانند. غور و تأمل و تعمق و تفکر در این شعرها در حقیقت پرده‌برداری از گوهرهای درّمانند و ارزشمند سخن فارسی است که با ارزش‌های ادبیات دفاع مردمی و شهادت استاد شهید مزاری و یاران پاکبخته‌ای ایشان عجین و آراسته شده‌اند.



”

در تصویرسازی، برخی واژگان چون: شقایق، لاله، کبوتر، گل بهار، گل‌های شقایق غربت سوز، آئینه، پرستو، آلاله‌های پرپر، شمشاد، سرو، نخل گل سوری، سوسن، نیلوفر، گل شب بو، صنوبر، خورشید، مرغان مهاجر، و... نماینده و سمبل شهید و شهادت و برخی نشانه‌های شهادت استاد و یاران ایشان شده‌اند.

“

